

شکوفه لبخند

سردار، مات و مبهوت شجاعتت شده‌ام. با حضورت در شهر آمرلی و نقشه‌ای که کشیدی آن شهر را از محاصره دشمن نجات دادی.

نسیم شادی بچه‌ها برای لب‌هایت شکوفه لبخند به ارمغان آورده است. معلوم است حال دلت، به خاطر حال دل این بچه‌های خوب، حسابی خوب است. تو و یاران‌ت شهر آن‌ها را از دست ستمگران داعشی آزاد کرده‌اید.

آرامش خاصی در چشم‌هایت دیده می‌شود؛ چشم‌هایی که شب‌های زیادی تا صبح زیر آتش دشمن خواب را به خود ندیده‌اند تا میلیون‌ها هم‌وطن، شب‌ها را با آرامش و امنیت به صبح برسانند. چشم‌هایی که با بیداری‌شان خواب را بر دشمنان ایران حرام کرده بودند.

حالا یک سال است، همان دشمنان، با نامردی و بزدلی، ما را از دیدن چشم‌های زیبایت محروم کرده‌اند. سردار عزیز! یاد تو و نام تو همیشه در قلبمان و در حافظه تاریخ سرزمینمان خواهد ماند.

علی اصغر جعفریان

